

Analysis Procedure of the Unilateral Sanctions of the United States and Their Impact on Employment and Development in Iran¹

Hamid Jamalpour¹, Khairullah Parvin², Maryam Moradi³

¹PhD. Student, Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.
jamalpurhamid@gmail.com

²Professor, Department of Law, University of Tehran, Tehran, Iran (**Corresponding author**).
khparvin@ut.ac.ir

³Assistant Professor, Department of Public International Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. moradimaryam@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review and analyze the unilateral sanctions of the US and their impacts on employment and development in Iran. The method of study is descriptive-analytic and an evaluation of the economic sanctions imposed against the Islamic Republic of Iran with regulations and principles of the international law, proves the main hypothesis of this article that is the illegitimacy of such sanctions. Accordingly, the unilateral economic sanctions of the US against Iran have caused some limitations on different economic sections of the country, transfer of technical equipment and knowledge, foreign investment, transportation, payments, and so on. The results of the study show that one of the effects of the unilateral sanctions of the US against the Islamic Republic of Iran that has violated human rights, is the violation of the right of employment. Fluctuation in the process of employment in Iran following the sanctions, has caused the agitation and confusion of a lot of Iranian citizens. Lack of job and occupational security in the country, decline in production, inflation and ... are some consequences of the sanctions.

Keywords: Sanction, United States, Employment, Development, Iran, Economy.

1. Received: 2021-05-27 ; Revised: 2021-08-01 ; Accepted: 2021-10-23

DOI: 10.22034/sej.2021.1931776.1341

© the authors <http://sej.journal.qom-iaau.ac.ir/>

Publisher: Qom Islamic Azad University



تحلیل فرایند تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و تاثیر آن بر اشتغال و توسعه در ایران^۱

حمید جمال‌پور^۱، خیراله پروین^۲، مریم مرادی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. jamalpurhamid@gmail.com
^۲ استاد، گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). khparvin@ut.ac.ir
^۳ استادیار، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. moradimaryam@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و تاثیر آن بر اشتغال و توسعه در ایران می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و ارزیابی تحریم‌های اقتصادی وضع شده علیه جمهوری اسلامی ایران با قواعد و اصول حقوق بین‌الملل، فرضیه اصلی این نوشتار مبنی بر غیرقانونی بودن این‌گونه تحریم‌ها را اثبات می‌نماید. بر این اساس، تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه آمریکا علیه ایران، محدودیت‌هایی را بر بخش‌های مختلف اقتصادی کشور، انتقال تجهیزات و دانش فنی، سرمایه‌گذاری خارجی، حمل و نقل، پرداخت‌ها و... ایجاد کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یکی از اثرات تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران که موجبات نقض حقوق بشر را در پی داشته است، نقض حق اشتغال می‌باشد. نوسان در روند اشتغال در ایران در پی تحریم‌ها، موجبات آشفتنگی و سردرگمی قشر عظیمی از شهروندان ایرانی را فراهم آورده است. نبود کار و امنیت شغلی در کشور، کاهش تولید، تورم و... را به دنبال داشته است.

کلیدواژه‌ها: تحریم، آمریکا، اشتغال، توسعه، ایران، اقتصاد.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری حمید جمال‌پور با عنوان «واکاوی نقض حقوق بشر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بر شهروندان

ایران»، استاد راهنما خیراله پروین و استاد مشاور مریم مرادی است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۱. مقدمه

تحریم‌های اقتصادی یکی از مهم‌ترین حوادثی است، که جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی تجربه کرده است. از سوی دیگر، اهمیت بخش اشتغال کشور به دلیل همبستگی بالای میان سطح اشتغال و بیکاری با متغیرهای کلان اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، تورم، توزیع عادلانه درآمد، سرمایه‌گذاری بر کسی پوشیده نیست. این در حالی است که طبق ارزیابی‌های انجام شده، مؤلفه «اعمال تحریم اقتصادی علیه کشور» اثرات بسیار نامطلوب‌تری نسبت به سایر مؤلفه‌ها، بر محیط کسب‌وکار داشته است.

آمریکا برای جلوگیری و سدکردن دستیابی ایران به اهداف خویش، ابزار تحریم را برای حصار و منزوی کردن ایران در پیش گرفته است و هر روز که بیشتر می‌گذرد بر این فشارها افزوده می‌شود تا راه ایران را در دستیابی به اهدافش سد کند (سیمبر، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷). هرچند تحریم‌ها به عنوان گواه نقض حقوق بشر محسوب می‌شوند، اما آمریکا این ابزار را علیه ایران حفظ کرده است. در این حیطه نیز، اسرائیل که دنبال سیاست‌های خاص خود است؛ مزید بر علت شده و با سنگین‌تر کردن بار تحریم‌ها علیه ایران، دنبال سیاست‌گذاری‌های جدیدتری، از جمله ترسیم چهره‌ای تروریست‌گونه از ایران بوده است. ایالات متحده، قهرمان تحریم‌های غیرقانونی در جهان است (غریب‌آبادی، ۲۰۱۳).^۱ این نوع اقدام از سوی ایالات متحده آمریکا، همچنان به عنوان یک روش مخاصمه، بارها تکرار شده است. بسیاری از کشورها اعتقاد دارند که این تحریم‌ها، حق آن‌ها را به عنوان کشورهای مستقل نادیده می‌گیرد.

ایالات متحده به واسطه اعمال تحریم‌های یک‌جانبه، مرتکب نقض حقوق بشر علیه شهروندان ایرانی می‌شود و حقوق مختلفی مثل حق حیات، حق آزادی عبور و مرور، نسل سوم حقوق بشر من جمله حق بر صلح، توسعه و... نادیده انگاشته می‌شود. حال با توجه به تحریم‌های یک‌جانبه‌ای که در فاصله‌های زمانی کوتاه، از سوی ایالات متحده علیه ایران اعمال می‌شود؛ در واقع از رفاه شهروندان ایرانی کاسته و باعث افزایش گسترش فقر می‌گردد. یکی از حقوقی که در پی تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، مورد نقض قرار می‌گیرد؛ حق برخورداری از شغل است که در این پژوهش به طور مبسوط به آن پرداخته می‌شود.

1. The article was presented to the symposium on unilateral sanctions under international law, The Hague, 11 July 2013.

۲. پیشینه پژوهش

فرتلند^۱ (۲۰۱۷)،^۲ در پژوهشی، اثرات مخرب تحریم‌ها بر موضوعات مرتبط با حقوق بشر در کشورهای هدف را نشان داده است. نکته جالب توجه در این مطالعه این است که بهانه تحریم، تأثیری در نتایج وخامت‌بار آن ایجاد نمی‌کند.

زینلی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل وضعیت حقوق بشر در ایران و عوامل تحریم آن توسط اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران» می‌نویسد: تحریم‌ها مغایر حقوق بشر بوده و نتیجه‌ای جز مجازات عموم مردم نداشته است.

میدل‌هاو (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای با عنوان «مباحث و تأثیر تحریم‌ها: مطالعه موردی زیمبابوه» به ارزیابی تحریم‌هایی که بر رهبری این کشور تحمیل شده‌اند؛ پرداخته، و اثرات آن را بر دستیابی این کشور به امنیت انسانی و حکومت مطلوب بررسی نموده است.

مارکوس نولاند (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر یا عدم تأثیر تحریم‌ها روی کره شمالی» به بررسی تأثیر تحریم‌های سازمان ملل متحد بر تجارت بین کره شمالی و دو شریک تجاری‌اش یعنی چین و کره جنوبی در طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۸ پرداخته است.

تحقیقاتی که تاکنون در مورد نقض حقوق بشر در پی تحریم‌ها به نگارش درآمده، از بعد حقوق بین‌الملل بوده است و کم‌تر کار جامعی در مورد نقض حقوق بشر بر اثر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و تأثیر آن بر شهروندان ایران انجام شده است. بنابراین، در حوزه حقوق عمومی به تأثیر تحریم‌ها بر شهروندان و نقض حقوق آنان خواهیم پرداخت.

۳. چارچوب نظری

این بخش به بررسی نظریه‌های تحریم می‌پردازد. نظریه مدنظر در این پژوهش، نظریه‌ی بازی‌ها است که در ادامه در مورد آن بحث خواهد شد.

۳-۱. نظریه‌های تحریم بین‌المللی ایران

تحریم به معنی اعمال محدودیت‌های یک دولت یا جامعه بین‌المللی، علیه یک کشور یا یک گروه است که مهم‌ترین نوع آن‌ها تحریم اقتصادی است (میراحمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۶).

1. Frtland

2. The Effect of Sanctions on Human Rights

همچنین تحریم، مجموعه اقداماتی است که یک یا چند بازیگر بین‌المللی بر یک یا چند بازیگر دیگر به منظور تحقق یک یا چند هدف به عمل می‌آوردند؛ تنبیه طرف مقابل برای جلوگیری از اقدام برای مواردی که برای تحریم‌کننده ارزش دارد یا وادار ساختن طرف مقابل به رعایت بعضی هنجارها که برای طرف اقدام‌کننده مهم است (آل کجباب و مدنیان، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴).

در چشم‌انداز کلی، تحریم‌ها شامل هر عمل منفی یا پاسخ به عمل یا کنش، در چارچوب اهداف تحریم است. هنری بنین^۱ و رابرت گلپین^۲، تحریم را دستکاری روابط اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی توصیف می‌کنند که به منظور ناگزیر کردن جامعه به تغییر سیاست یا حکومت خود، آن را تهدید به تنبیه اقتصادی می‌کند (زهرانی، ۱۳۷۶، ص ۶۶).

بنابر نظریه‌های تحریم، تحریم‌های اقتصادی به منظور محروم‌سازی کشور، با هدف بهره‌برداری از منابع و فرصت‌های اقتصادی و ایجاد رکود اقتصادی از طریق اختلال در سیستم درآمدها و توزیع منابع اقتصادی و با هدف تغییر در نظام سیاسی کشور هدف اعمال می‌شود. کمفر و لوونبرگ^۳ انگیزه اعمال تحریم‌ها را در سه گروه تقسیم‌بندی کرده‌اند: اهداف امنیت ملی، اهداف اخلاقی یا ایدئولوژیکی، حل مسائل مربوط به تجارت بین‌الملل یا سرمایه‌گذاری (شکوهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

لیندزی^۴ یکی از پنج هدف زیر را به‌عنوان هدف اصلی کشورها در اعمال تحریم مطرح می‌کند: تطبیق، براندازی، بازسازی، نمادگرایی بین‌المللی، یا نمادگرایی داخلی. نوسال^۵ با رجوع به لیتون براون^۶ و مارگارت دوکسی^۷ از مجازات یا تنبیه بین‌المللی برای تبیین تحریم‌ها استفاده می‌کند. به نظر دوکسی، تحریم‌ها اقدامات و برنامه‌های هدفمندی را شامل می‌شود که به منظور تحقق اهدافی معین، هزینه‌های خاصی را بر رفتار و شرایط زندگی کشور هدف تحمیل می‌کند (نوسال، ۲۰۱۵، ص ۳۱۲).

از نظر گالتونگ^۸، کشور یا سازمان تحریم‌کننده، دو هدف خاص را توأمان یا به تنهایی دنبال

-
1. Henry Benin
 2. Robert Gilpin
 3. Kaempfer & Lowenberg
 4. James Lindsay
 5. Kim Richard Nossal
 6. David Leyton-Brown
 7. Margaret Doxey
 8. Galtung

می‌کند: ۱. مجازات کشور هدف از طریق محروم‌سازی، ۲. اجبار کشور هدف به پیروی از اصول و هنجارهای خاص و مورد نظر تحریم‌کننده (تسبلیس،^۱ ۱۹۹۰، ص ۵).

برخی از تحلیل‌گران ایرانی برخلاف هم‌تایان آمریکایی خود، اعتقاد دارند که تحریم‌های هسته‌ای ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران، نه تنها موفق نبوده، بلکه بر مقاومت و بی‌اعتمادی جمهوری اسلامی نسبت به ایالات متحده و رشد سریع‌تر فعالیت‌های هسته‌ای این کشور افزوده است (موسویان، ۱۳۹۴، ص ۴۴۴). از نظر تسبلیس، پروفیسور علوم سیاسی دانشگاه میشیگان نیز اگرچه تاریخ تحریم‌های اقتصادی به قرن‌های دور، یعنی حدود ۴۳۲ قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد و اکنون نیز توسط بازیگران مختلف از اعضای جامعه ملل تا اوپک و کشورهای مختلف نظیر شوروی سابق، آمریکا و بریتانیا اعمال می‌شده، اما لزوماً موفق نبوده است.

هافباور^۲ و اسکات^۳ در مطالعات میدانی خود نشان دادند که از ۸۳ مورد تحریم‌های اقتصادی اعمالی از سال ۱۹۱۴ از سوی کشورهای مختلف، به ویژه ایالات متحده، تنها ۴۰٪ به نتیجه رسیدند. با این وجود به دلایل مختلف از جمله تحت تأثیر قرار دادن سایر کشورها، تحریم‌ها اعمال می‌شوند. اما استمرار در اعمال تحریم‌ها به معنای مؤثر بودن حتمی تحریم‌ها نیست (تسبلیس، ۱۹۹۰، ص ۴).

تداوم تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی، زمانی به‌عنوان دغدغه این کشور تلقی شد که ایالات متحده توانست اعضای شورای امنیت را به پیروی از اصول تحریم، وادار و حمایت دیگر نهادهای بین‌المللی را جلب نماید. عدم حضور جمهوری اسلامی در بازارهای جهانی و نهادهای مالی و اقتصادی بین‌المللی و وابستگی اقتصادی یک جانبه کشور به شرکای تجاری، عامل تسهیل‌کننده در چند لایه شدن تحریم‌های بین‌المللی و سرعت گسترش آن به سایر بخش‌ها و نهادهای اقتصادی بود؛ به‌نحوی که طی ۱۰ سال اخیر با گسترش دامنه تحریم‌ها، جنبه متوالی و تکراری آن، حوزه‌های مختلف کشور از بخش‌های مالی، بانکی و بیمه گرفته تا نفت، گاز، پتروشیمی، کشتیرانی، کشتی‌سازی، حمل و نقل، طلا، انواع فلزات گران‌بها، اسکناس و سکه، انواع کالا و فن‌آوری، سرمایه‌گذاری، آموزش‌های تخصصی، فلزات، نرم‌افزار و تسلیحات را

1. Tsebelis

2. Hufbauer

3. Schott

در برگرفت و به یک بازی متوالی فرسایشی تبدیل شد.

تحریم‌های بین‌المللی تا پیش از سال ۲۰۰۶ به صورت یک جانبه از سوی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی اعمال می‌شد و تأثیری در رفتار شرکای تجاری جمهوری اسلامی که به طور عمده از میان کشورهای توسعه‌یافته اروپایی تشکیل می‌شد، نداشت؛ از نیمه سال ۲۰۰۶، تحریم‌های مؤسسات بین‌المللی و نهادهای مالی نظیر سازمان سوئیت بر جنبه فراگیری و درهم تنیدگی تحریم‌ها و در نتیجه شدت اثرگذاری آن بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران افزود. در مذاکرات بین‌المللی برجام، صرف نظر از تحریم‌ها یا محدودیت‌های تجاری یک جانبه کشورهای عضو (دائم و غیردائم) شورای امنیت نظیر ژاپن، روسیه، پاکستان و سه گروه تحریم‌های خاص علیه جمهوری اسلامی مدنظر قرار گرفت که عبارتند از: قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل^۱، تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران شامل فرمان‌های اجرایی روسای جمهور ایالات متحده و قطعنامه‌های سازمان خزانهداری آمریکا^۲ و تحریم‌های اتحادیه اروپایی.

۳-۲. نظریه بازی‌ها

نظریه بازی‌ها بسیاری اعمال تحریم‌ها را سیاستی مبتنی بر نظریه بازی‌ها^۳ می‌دانند، که در نتیجه انتظار رفتار و واکنش عقلانی از بازیگران دولتی نظام بین‌الملل اتخاذ می‌شود و محاسبه هزینه و فایده و دستاوردهای یک‌جانبه، استراتژی بازیگران را تعیین می‌کند. به این معنی که کشور تحریم‌کننده با پیش‌بینی عدم تطبیق رفتارهای کشور هدف با سیاست‌ها و وضعیت امنیتی مملکت خود، به تحریم کشور هدف روی می‌آورد به طور معمول، اگر هزینه‌های اعمال تحریم برای کشور تحریم‌کننده نسبت به تهدیدهای امنیتی پایین باشد و برعکس برای کشور هدف نسبت به هزینه‌های تطبیق با سیاست‌های کشور تحریم‌کننده بالا باشد، احتمال موفقیت تحریم‌ها بیشتر است (کمفر و لوونبرگ، ۲۰۰۷، ص ۸۹۱).

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که اغلب تحریم‌های اقتصادی، بازی‌های متوالی بوده‌اند و کنش یک بازیگر، واکنش بازیگر دوم و واکنش بازیگر دوم به واکنش بازیگر اول منتج می‌شود و این

-
1. United Nations Security Council (UNSC)
 2. Office of Foreign Assets Control (OFAC)
 3. Game Theory

زنجیره کنش و واکنش استراتژیک تا زمانی که این چرخه فرسایشی منجر به تسلیم یکی از طرفین شود ادامه می‌یابد. در بازی‌های متواتی نظیر بازی تحریم، طرفین نسبت به رفتار یکدیگر آگاهی دارند. به عنوان مثال کشور هدف به خوبی می‌داند که اقدام آتی وی می‌تواند به تحریم بعدی منجر شود؛ با این حال در جهت افزایش عایدی یا منفعت یک‌جانبه خود گام بعدی را برمی‌دارد. تحریم‌های ایالات متحده آمریکا را می‌توان در چهارچوب بازی تحریم تکراری^۱ تعریف کرد که براساس آن کشور تحریم‌کننده به منظور تغییر رفتار سیاسی کشور هدف، با در پیش گرفتن سیاست تحریم، یا کشور هدف را وادار به تسلیم یا تغییر رفتار می‌کند یا کشور هدف در برابر خواسته کشور تحریم‌کننده مقاومت می‌کند. بنابراین، تحریم‌کننده در مقابل بازی جدیدی قرار می‌گیرد که می‌بایست با توجه به تخمین عایدی خود از ادامه تحریم‌ها تصمیم بگیرد که این بازی را ادامه دهد یا از خواسته خود انصراف دهد. به همین ترتیب، کشور هدف نیز می‌بایست میان تسلیم یا مقاومت یکی را انتخاب کند و این چرخه تا زمانی که یکی از طرفین تصمیم به پایان بازی نگیرند؛ ادامه می‌یابد (لکی و نوا^۲، ۲۰۰۴، ص ۲۸).

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. تحلیل فرایند تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا

تحریم‌ها یک امر کاملاً سیاسی و البته برگشت‌پذیر است بدین منظور که اعمال تحریم‌ها بر ایران همیشگی نخواهد بود و ممکن است با تغییر مسائل سیاسی، تحریم‌ها لغو و همکاری و مبادله اقتصادی و فرهنگی به مانند دوره‌هایی در گذشته جای آن را بگیرد. با نگاهی به تاریخ معاصر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«روابط ایالات متحده از ابتدای پیدایش نفت در خاورمیانه با ایران از حساسیت خاصی برخوردار بوده است. این حساسیت گاه به نزدیکی فوق‌العاده دو کشور منجر شده بود مانند اظهار آمادگی مشارکت شرکت امریکایی نفتی (سینکلر)^۳ در توسعه میادین نفتی ایران در کناره دریای خزر در ۱۳۰۰ خورشیدی با پیشنهاد توافقی مبتنی بر اختصاص ۵۰ درصد سود آن به ایران در زمانی که حداکثر سود پرداختی شرکت مختلط نفت ایران و انگلیس به ایران ۱۵ درصد بود»

-
1. The Repeated Sanction Game
 2. Lacy & Niou
 3. Sinclair Oil

(اقلیم، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰).

همکاری‌های ایران و آمریکا پس از اشغال ایران در ۱۳۲۰ در قالب کمک‌های اصل چهار و بخشی از طرح مارشال، «همکاری‌های سیاسی، امنیتی و نظامی دو کشور پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در قالب تشکیل ساواک، ایجاد پیمان بغداد، سنتو و قرارداد همکاری‌های نظامی بین دو کشور در ۱۳۳۹ یا برنامه توسعه ایران در چارچوب یک مدل امریکایی از بهمن ۱۳۴۱ و سرمایه‌گذاری‌های کلان ایالات متحده در ایران از ۱۳۴۹» ادامه داشت (ملکی، ۱۳۹۱، ص ۷). همکاری آمریکا در ایجاد سازمان صنایع هواپیمایی با پیشرفته‌ترین فن‌آوری‌های قابل انتقال آن دولت به ایران از دیگر نمونه‌های آن بوده است.

باید توجه داشت تحریم‌های آمریکا به صرف یک‌جانبه بودن، تنها از جانب آن دولت به ایران خسارت وارد نمی‌سازد؛ بلکه باتوجه به اقتصاد آن کشور، به نحوی که به تنهایی در سال ۲۰۱۱، بیست درصد از کالا و خدمات در جهان را تولید و ۱۴ تریلیون دلار ارزش‌آفرینی ایجاد کرده و ثروتمندترین کشور جهان لقب گرفته - درحالی‌که ایتالیا ۲، بریتانیا ۳، آلمان ۴ و ژاپن ۶ درصد در آن سال تولید کرده‌اند^۱ - در کنار دیگر عوامل قدرت‌زا چون دانش، به طوری که ۱/۴ بودجه پژوهش و توسعه کل جهان در آمریکا خرج می‌شود (فورست^۲، ۲۰۱۰، ص ۴۲۳) و سرمایه‌گذاری‌هایی که در دیگر کشورهای صنعتی هم چون کره جنوبی انجام داده است؛ تاثیرگذار خواهد بود. به همین جهت بسیاری از دولت‌ها جهت تأمین منافع خود، با ایالات متحده در بخش‌های مختلفی مانند پرونده هسته‌ای ایران همکاری می‌کنند.

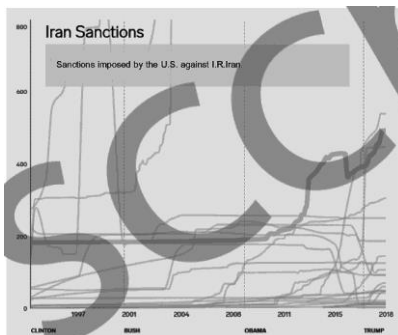
جمهوری اسلامی ایران تقریباً از بدو شکل‌گیری مورد تحریم آمریکا و متحدان این کشور قرار داشته، اما از سال ۱۳۸۴ به بهانه غنی‌سازی اورانیوم، این تحریم‌ها وارد دور تازه‌ای شد. اظهارات مکرر مقامات آمریکایی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که به زعم آمریکا، برنامه هسته‌ای ایران چالشی جدی برای منافع و امنیت آمریکا و اسرائیل و حتی ثبات خاورمیانه است.

بنابراین، تحریم‌های آمریکا علیه کشور ایران، مشخصاً با دو بهانه مسائل حقوق بشر و توسعه سلاح هسته‌ای انجام شده است. درحالی‌که کشور ایران پس از انقلاب اسلامی (۱۹۷۹م) مستمراً

1. www.state.wto.org/country/profile/wfdb/country_pf_viwe.aspx?language= Ecountry= us, 2012-08-22

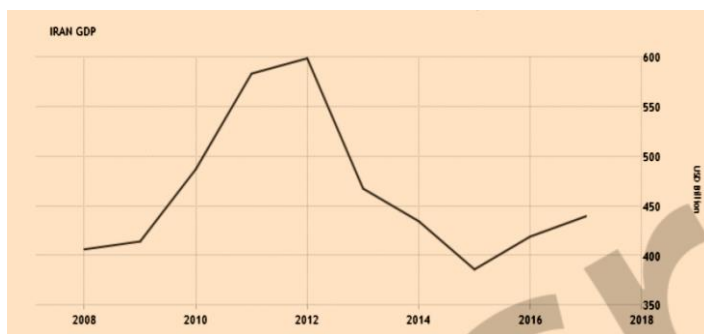
2. Foryst

تحریم‌های آمریکا را تحمل کرده است، اما دامنه تحریم‌ها از سال ۲۰۱۱ میلادی و در دوره ریاست جمهوری اوباما، وارد فاز جدیدی شد. درحالی‌که دولت جورج بوش، به‌عنوان یک دولت محافظه‌کار رادیکال، تنها سه مورد تحریم بر ایران اعمال کرد، اما در دولت باراک اوباما این تعداد، به ۲۶۶ مورد تحریم ارتقاء داده شد و سپس در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ نیز تاکنون ۱۲۳ تحریم علیه ایران تعیین شده است.



شکل ۱- روند تحریم‌های یک‌جانبه اعمال شده بر ایران توسط ایالات متحده آمریکا

تأثیر تحریم‌های آمریکا بر اقتصاد ایران، از طریق بررسی روند حجم تولید ناخالص ملی کشور قابل درک است. همانطور که در نمودار زیر مشخص است، آغاز تحریم‌های آمریکا در سال ۲۰۱۱ میلادی، موجب سقوط تولید ناخالص ملی کشور شده است. در سال ۲۰۱۵ میلادی و با دستیابی به توافق هسته‌ای، تولید ناخالص ملی، دچار رشد مجدد شد و سپس در سال ۲۰۱۸ میلادی (که محاسبه آن هنوز انجام نشده است) و با زیرپا گذاشتن توافق برجام از سوی آمریکا، پیش‌بینی می‌شود شاهد سقوط مجدد تولید ناخالص ملی در کشور ایران باشیم.



شکل ۲- روند رشد تولید ناخالص ملی ایران (بانک جهانی، ۲۰۱۸)

دولت‌های تحریم‌کننده ایران ادعا می‌کنند، اعمال تحریم‌ها از سوی آن‌ها با هدف فشار اقتصادی بر مردم نبوده و در پی سلطه و مداخله در امور داخلی دولت مذکور نیز نیستند؛ بلکه به دنبال تضمین اجرا و تحقق حقوق بشر و بازگشت ایران به کنش‌های اعتمادساز در سطح نظام بین‌الملل هستند. درحالی‌که این استدلال مورد قبول قرار نمی‌گیرد. زیرا به فرض وجود چنین هدفی، نتیجه حاصل، فشار اقتصادی است که کلیه آثار و پیامدهای آن معطوف به امنیت اقتصادی شهروندان می‌گردد.

تجربه تحریم‌ها حاکی از آن است که استفاده از تحریم‌ها به‌عنوان یک ابزار دیپلماتیک عمدتاً از اثربخشی چندانی برخوردار نیست و به این جهت تحریم‌کنندگان می‌کوشند تحریم‌ها را به صورت همه جانبه و با مشارکت تمام کشورها اعمال نمایند تا احتمال موفقیت خود را افزایش دهند. چراکه دریافت‌اند تحریم‌ها تنها در صورتی می‌تواند به نتیجه برسد که به صورت اجماعی، فراگیر و مداوم به‌کاررفته و از مشروعیت و اعتبار لازم برخوردار باشد. به هر حال، به نظر می‌رسد اعمال تحریم‌های اقتصادی و تجاری همه جانبه بیش از آنکه در تغییر رفتار دولت‌ها مؤثر باشد به شهروندان عادی و اقشار آسیب‌پذیر جامعه نظیر بیماران و کودکان آسیب می‌رساند.

۴-۲. نقض حق کار بر اثر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا

حق کار طبق اسناد حقوق بشری متضمن حقوق و تکالیف متعددی است که با آن ارتباط دارند و صرفاً به معنای حق برخورداری از شغل معین نیست؛ چنانکه در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر تصریح گردیده است؛ هر کس از آزادی انتخاب شغل، برخورداری از شرایط عادلانه کار و حمایت در برابر بیکاری برخوردار است. به‌علاوه، حق دریافت دستمزد برابر برای انجام کار یکسان و حقوق و مزایای عادلانه و مناسب به‌عنوان مؤلفه‌های حق کار بیان شده است. طبق ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: «دولت‌های عضو این میثاق، حق کار را که شامل حق هرکس برای دارا بودن فرصت تأمین معاش به‌وسیله شغلی را که آزادانه انتخاب می‌نماید؛ به رسمیت می‌شناسد...».

باید توجه داشت که حق بر اشتغال مورد تأکید این میثاق، از آزادی انتخاب شغل ماهیتی کاملاً متفاوت دارد. درحالی‌که حق بر اشتغال، حق مثبت و از مقوله حق ادعاهای حمایتی است، حق بر انتخاب شغل از حق ادعاهای منفی است که عدم مداخله دولت را می‌طلبد (پروین و دهقانی، ۱۳۹۸، ص ۲۴).

همچنین ماده ۷ میثاق مقرر داشته است: «دولت‌های عضو این میثاق، حق هر کس برای برخورداری از شرایط کار عادلانه و مطالبوب را که شامل موارد زیر می‌باشد به رسمیت می‌شناسد:

الف) تعیین حداقل دستمزد برای همه کارگران به طوری که:

۱. در قبال کارهایی که ارزش یکسانی دارند، بدون هرگونه تبعیض، اجرت و دستمزد عادلانه و برابر پرداخت گردد. به خصوص شرایط کاری زنان نامناسبتر از شرایط کاری مردان نباشد، و برای کار یکسان به آن‌ها دستمزدی برابر مردان پرداخت گردد.

۲. کارگران قادر باشند، یک زندگی آبرومندانه برای خود و خانواده‌هایشان مطابق با مقررات میثاق حاضر فراهم نمایند.

ب) شرایط کاری امن و سالم؛

ج) فرصت برابر برای همه در ارتقاء شغلی در سطوح بالاتر که تابع هیچ‌گونه ملاحظاتی جز سابقه و تجربه نباشد؛

د) استراحت، مرخصی و محدودیت متعارف ساعات کار و تعطیلات منظم با پرداخت حقوق و همچنین پرداخت دستمزد برای روزهایی که تعطیل عمومی است».

حق کار صرفاً یکی از انواع حقوق بشر نیست، بلکه یک مجموعه هنجاری مختلط است. مجموعه‌ای از مقرراتی که هم آزادی‌های سنتی و هم حقوق جدید را در برمی‌گیرد. همچنین متضمن یک جنبه تعهدگرایانه است که از برخی تعهدات حقوقی لازم‌الاجرا و تعهدات سیاسی تشکیل شده است (درزویک^۱، ۲۰۰۱، ص ۱۸۸).

تأثیر منفی تحریم‌های اقتصادی بر حق کار، در تفسیر عمومی شماره ۸ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مورد اشاره قرار گرفته است. طبق بند (۳) تفسیر مزبور، هر چند تأثیر تحریم‌ها از قضیه‌ای به قضیه دیگر متفاوت است؛ اما کمیته به این موضوع توجه دارد که همواره تحریم‌ها تقریباً، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر حقوق شناخته‌شده و به موجب میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند. به‌عنوان مثال، تحریم‌ها به حق کار لطمه می‌زنند (میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بند ۳). از آنجا که تحریم‌های اقتصادی به بخش‌های مختلف اقتصادی کشور مورد تحریم آسیب وارد می‌سازند، موجب بیکاری می‌شوند. در ایران به دنبال خروج ترامپ از برجام و ایجاد تحریم‌های جدید، روند صادرات و واردات کالا با نوسان مواجه

شده است. تحریم‌ها و کاهش صادرات به صورت غیرمستقیم نیز بر موضوع بیکاری تأثیر دارد. وقتی اقتصاد کوچک می‌شود، کار کم می‌شود و فعالان در حوزه‌های مختلف اقتصادی به دلیل موفق نبودن صادرکنندگان مجبور می‌شوند دست به تعدیل نیرو بزنند.

بیکاری، کاهش دستمزدها و نامساعد بودن شرایط کاری ناشی از صدمه دیدن زیرساخت‌های اقتصادی کشور، نتیجه اعمال تحریم‌ها است و به دنبال آن، پیامدهای منفی دیگری، به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی به وجود خواهد آمد. به‌عنوان مثال، تحریم‌ها بر وضعیت خانواده‌ها در ایران تأثیر جدی داشته است. به دنبال تحریم‌های یک‌جانبه امریکا علیه ایران، نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی به وجود آمده است که اغلب از بیکاری ناشی می‌شود (بیکاری معلول تحریم‌های اقتصادی گسترده).

گزارش‌ها حاکی از آن است که ۲۵ هزار شرکت، وابسته به تولیدات خودرو در کشور فعال هستند که تحریم‌ها و سایر متغیرها بر تولید و اشتغال فعالان در آن عرصه، تأثیر منفی زیادی گذاشته است.

همچنین معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت (جواد تقوی) ۲۴ شهریورماه ۱۳۹۱ اعلام نمود: «آنچه که امروز در جریان است توقف در برخی از خطوط یا کندی تولید به دلیل نرسیدن قطعه می‌باشد»^۱. عدم تولید قطعات به دلیل نبود سفارش در کارخانه‌های سازنده که آن نیز به علت نبود مواد اولیه و سایر ابزار و احتیاج‌های تولید خودرو است، موجب بیکاری بسیاری از کارگران و فعالان بخش قطعه‌سازی و کارخانه‌های تولیدی شده است.

جنبه دیگر نقض حق کار در برنامه‌های تحریم اقتصادی، تحریم‌های مالی خصوصاً توقیف دارایی‌ها و ممنوعیت استفاده از آن‌ها است که علیه افراد و گروه‌های خصوصی اعمال می‌گردد. ممکن است، حق کار که شامل تأمین معاش و کسب درآمد است؛ در نتیجه اعمال تحریم‌های مالی، نقض شود.

۴-۳. اثرات مستقیم تحریم‌ها بر حقوق اقتصادی و توسعه ایران

حقوق اقتصادی، مفهومی از حقوق بشری و از نسل دوم حقوق بشر است. زمانی که به حقوق بشر نسل دوم یا حقوق مثبت اشاره می‌شود؛ حقوق اقتصادی یا اجتماعی، نظیر حق کار به ذهن

1. <http://www.entekhab.ir/fa/news/76599/%D8%-1391-08-26>

متبادر می‌شود که افراد یا گروه‌ها را در برخورداری از برخی کالاها یا خدمات اجتماعی مستحق تلقی می‌کند. حقوق بشر نسل سوم، مشتمل بر ترکیب پیچیده‌ای از حقوق، نظیر حق توسعه، حق صلح و حق محیط زیست است. بین سه نسل حقوق بشر یک رابطه همزیستی^۱ و حمایت متقابل^۲ وجود دارد (تاموشات^۳، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳).

نسل دوم حقوق بشر در حوزه اقتصادی و اجتماعی بروز می‌کند. حق‌هایی همچون آموزش، مسکن، مراقبت بهداشتی، اشتغال و سطح مناسب زندگی از حقوق آن نسل به‌شمار می‌آیند. حقوق بشر علاوه بر آزادی‌های اساسی، حق بشر را در برخورداری از امکانات کافی برای یک سطح حداقلی زندگی می‌داند. این حقوق را حقوق «رفاهی» نیز نامیده‌اند. در حقیقت، حقوق نسل دوم در پی حق بر ضوابط (استاندارد) مناسب زندگی است که به نوعی تمامی حقوق اقتصادی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.

برخلاف حق‌های نسل اول که به طور عموم بر عدم مداخله دولت و نبود مانع تأکید دارند حق‌های نسل دوم علاوه بر نبود مانع، ایجاد امکانات و لوازم را از طریق دولت می‌طلبند. ایده مبنایی چنین تفکیکی این است که در بیشتر موارد، حق‌های (دسته) نسل اول با خودداری از انجام عملی و حق‌های دسته دوم با انجام عملی محقق می‌شوند. اما مهم‌ترین وجه اشتراک این دو نسل، تأکید هر دو آن‌ها بر فرد انسانی یا به عبارت دیگر، صاحب حق بودن فرد است.

«یک شخص گرسنه در پرتو حقی که به او اعطا می‌شود تا در یک سخنرانی عمومی شرکت کند سیر نمی‌شود (تاموشات، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵). بلکه نیازهای دیگری وجود دارد که دولت موظف است تا تمام تلاش خود را در جهت ایجاد آن به کار گیرد. حقوق نسل دوم نسبتاً در آخرین مراحل تحولات مربوط به قانون اساسی ظهور یافت. حقوق نسل دوم، فرزند قرن بیستم است. آن زمان که جوامع در برابر «مسائل اجتماعی» مسئولیت خود را عهده‌دار شدند. پس از آن که تقریباً در کل جهان آگاهی فزاینده‌ای در نظام قانون اساسی پدید آمد؛ که دیگر برای یک دولت، خودداری کردن از دخالت در حقوق فردی کفایت نمی‌کرد و به میزان قابل ملاحظه‌ای مسئولیت تأمین و تضمین رفاه شهروندان‌شان را عهده‌دار شدند.

-
1. Coexistence
 2. Mutual Support
 3. Tamishat

برخلاف نسل اول حقوق بشر، نسل دوم بر مداخله دولت جهت تحقق حقوق مردم تأکید دارد. با توجه به مواد ۲۳ الی ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید بیان نمود حقوق مطروحه در این نسل از جمله حقوق مثبت بوده و دولت‌ها را در مقابل افراد مسئول می‌دارد. این حقوق با اصطلاح «حق بر» مطرح شده است که از جمله آن‌ها حق تأمین اجتماعی، حق کار، حق استراحت، حق برخورداری از حداقل رفاه در زندگی، حق آموزش و حق حفاظت از محصولات علمی، فرهنگی و هنری است. هدف اصلی این نسل از حقوق بشر را باید استقرار برابری و عدالت اجتماعی و هدف نهایی آن را نیل به نفع عمومی، دانسته شود (ساعدوکیل و عسکری، ۱۳۸۳، ص ۳۹).

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تبلور نسل دوم حقوق بشر است. برخلاف میثاق حقوق مدنی و سیاسی که رهیافت لیبرالیستی بر آن حاکم است؛ رویکرد سوسیالیستی بر نسل دوم تسلط دارد. نقطه تأکید این رهیافت بر تقابلی استوار است که در مواجهه با رهیافت لیبرالیستی نمود و ظهور پیدا کرد. محور اساسی رویکرد مورد نظر این بود که حقوق فرد انسانی به‌خودی‌خود قابل تحقق نخواهد بود و باید در اجتماع زمینه تحقق پیدا نماید. از نظر سوسیالیست‌ها اجتماع یک متغیر بسیار تعیین‌کننده است که مقتضیات خاص خود را دارد که متفاوت از حیات فردی و در جایی متعارض با آن است. با توجه به نقشی که برای دولت، جهت دخالت در مقام حل تعارض قائل بودند؛ به همین علت به حقوق مورد تأکید حقوق جمعی یا مثبت می‌گویند.

برخلاف حقوق میثاق اول که کسب آن با سرعت انجام می‌شود؛ ماهیت و نتایج میثاق دوم تدریجی به دست می‌آید و باید در یک روندی که عقلانیت و اقتصادگرایی بر آن حاکم است به دنبال تحقق این حقوق بود. بند ۱ ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مستلزم این است که هر کشور عضو، با بالاترین حد منابع در اختیارش، به طور انفرادی یا از طریق همکاری و کمک بین‌المللی، گام‌هایی برای نائل‌شدن تدریجی به تحقق کامل حقوق بردارد (ایده، ۱۳۸۹، ص ۴۴). در نهایت از حقوق نسل دوم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

حق آب آشامیدنی سالم، حق غذا، حق مسکن، حق سلامت، حق پوشاک، حق کار و تأمین اجتماعی، حقوق فرهنگی و آموزشی^۱، حق تشکیل خانواده و حق رفاه. بنابراین، دولت‌ها باید تمام

1. Right to Drinking Water, Right to Food, Right to House, Right to Health, Right to Clothes, Right to Work & Social & Security, Right to Cultural Rights

تلاش خود را جهت تحقق حقوق شناخته شده در این میثاق با استفاده از کلیه ابزارهای مقتضی در سطح ملی و با توسل به قانون‌گذاری و ابزارهای موجود در سیاست خارجی برای تابعین خود فراهم آورند.

تحریم‌ها بر علیه ایران موجب کاهش چشم‌گیر درآمد ملی شده است؛ در نتیجه دولت نمی‌تواند تحقق حقوق اقتصادی مردم را جامه عمل بپوشاند.

نسل دوم حقوق بشر از سوی رهیافت‌ها و نگرش‌های مختلفی مورد نظر قرار گرفته است. گروهی که تنها این حقوق را به رسمیت شناخته و به آن اصالت داده‌اند؛ زیرا به طور کامل به آزادی‌های مدنی و سیاسی اهمیت نداده و برای آن ارزش قائل نیستند و به بیان دیگر معتقد به آن حقوق نمی‌باشند. اما گروهی دیگر در طیفی قرار می‌گیرند که نسبت به آزادی‌های سیاسی و تبلور آن در نظامی مردم‌سالار، نگاه مثبت ندارند؛ هر چند لزوماً آن را بد ندانسته، اما مانعی در رشد و پیشرفت اقتصادی می‌دانند.

اساساً تا کشوری به درجه‌ای از رفاه نرسد؛ نمی‌تواند حقوق سیاسی را رعایت کند؛ در واقع این توسعه اقتصادی است که به مردم امکان می‌دهد حقوق سیاسی خود را مطالبه کنند (لفت ویچ، ۱۳۸۳، ص ۸۷). اما تعداد بسیاری از دولت‌ها به رغم دستیابی به توسعه اقتصادی، بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر محسوب می‌شوند و در مقابل، کشورهایی با درآمد سرانه پایین، حقوق بشر را رعایت می‌کنند. سنگاپور نمونه‌ای از آن دسته از کشورها است که توسعه‌یافتگی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، تأثیر مثبتی بر اجرای حقوق بشر و یا حداقل دسته‌ای از این حقوق نگذاشته است. این کشور با وجود دارا بودن درآمد سرانه بالای ۱۰۰۰۰ دلار، هم‌چنان پایبند به رعایت حقوق مدنی و سیاسی نیست. به همین جهت است که هدف اصلی توسعه، فراهم‌آوردن آزادی انتخاب برای افراد و جلوگیری از محرومیت ایشان است و نه کسب درآمد بیشتر (میدری، ۱۳۸۳، ص ۲۵).

چین نیز نمونه‌ای دیگر از کشورهایی است که با وجود دستیابی به رشد بالای اقتصادی و استمرار آن به رعایت و احترام حقوق بشر پایبند نیست (لفت ویچ، ۱۳۸۳، ص ۳۹۶). به هر حال عده‌ای از پژوهشگران، اعمال تحریم‌ها بر ایران را از این جنبه بسیار منفی دانستند؛ زیرا که افزایش تورم، رکود و تضعیف امنیت اقتصادی، موجب فشار زیاد بر طبقه متوسط شده که می‌تواند مطالبه‌گر اصلی حقوق نسل اول و آزادی‌های اساسی باشد.

۴-۳. ارزیابی یافته‌های تحقیق

حق کار و سایر حقوقی که جهت یک زندگی حداقلی، اما با ثبات و منطبق بر کرامت انسانی نیاز است مورد توجه عهدنامه و اعلامیه‌های بین‌المللی است. همان‌طور که گفته شد مواد ۷، ۱۱ تا ۱۵ و ۱۸ در میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر حق برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب کار، حق برخورداری از زندگی مطلوب با وجود غذا، پوشاک و مسکن، بهداشت کافی، آموزش و پرورش، حق برخورداری از پیشرفت علوم و فنون و حق برخورداری از مزایای دستاوردهای فکری و هنری تأکید نموده است.

همچنین حق برخورداری از تأمین اجتماعی در ماده ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث، سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره مورد تأکید و حقی همگانی قلمداد شده است. همچنین حق کار در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

اشتغال از جمله موضوعات اساسی اقتصاد هر کشوری است، به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع تلقی می‌شود.^۱ تحریم‌ها در ابعاد مختلف بر حق کار شهروندان ایرانی تأثیر منفی بر جا گذاشته است. در صورت عدم تحقق حق کار، سایر حقوق بشر شهروندان شامل نسل دوم و حتی نسل اول به خطر می‌افتد.

در ایران نیز با افزایش بیکاری و عدم ثبات شغلی، میل به خدمت در نهادهای نظامی افزایش یافته است چنانچه در فراخوانی وزارت دفاع و خدمت به صورت نظامی ده‌ها هزار نفر با تحصیلات تکمیلی تقاضای اشتغال خود را اعلام کردند. «بیکاری جوانان و تحصیل‌کردگان رو به رشد است. این امر از نظر کارشناسان به معنی استهلاک بالای نیروی انسانی در اقتصاد ایران است (شکوه، ۱۳۹۰، ص ۳).

تحریم‌ها علاوه بر آن که موجب عدم خلق فرصت‌های شغلی در حوزه‌های مختلف شده، باعث ازدست رفتن موقعیت‌های شغلی بسیاری نیز گردیده است؛ که برای ایجاد آن هزینه زیادی صرف شده بود. به‌عنوان مثال، وقتی برای ساخت ۲ میلیون خودرو در سال، نیروی انسانی استخدام می‌شود، سپس به دلیل تحریم‌ها امکان تولید بسیار کم می‌گردد؛ در نتیجه فرصت‌های

1. http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1391/ch_n_b91.pdf

شغلی که با هزینه‌های بسیار زیاد ایجاد شده است از بین می‌رود.

ایجاد هر شغل سرمایه‌گذاری زیادی می‌طلبد. بنا بر اظهار عضو کمیسیون صنایع و معادن در دوره نهم مجلس شورای اسلامی (یوسف‌نژاد) «در صنعت هر شغل با ۵۰ تا ۷۰ میلیون ایجاد می‌شود».^۱ تحریم‌ها بر بیکاری و عدم افزایش شغل تأثیر زیادی داشته است. البته قبل از افزایش فشار به واسطه تحریم‌ها، اشتغال در ایران به دلایل ساختاری و فرهنگی از وضعیت خوبی برخوردار نبوده، اما تحریم‌ها این مسئله را تشدید کرده است.

از ۷۵ میلیون ایرانی، نزدیک ۱۵ میلیون، بالای ۶۰ سال و زیر ۱۰ سال هستند که طبق اصول و بنا بر ضوابط جهانی، اشتغال برای آنان تعریف نمی‌شود. همچنین از ۶۰ میلیون ایرانی باقی مانده، ۲۴ میلیون مشغول تحصیل یا فراگیری مهارت شغلی هستند یا در امور حاشیه‌ای اشتغال، حضور دارند که در نوع خود و در مقایسه با سایر کشورها رقم بالایی است. از ۳۶ میلیون ایرانی باقی مانده، ۷ میلیون بیکاری اختیاری دارند؛ یعنی به دلایل ویژه مانند دارا بودن ثروت یا تأمین از محلی خاص، داوطلبانه از شاغل بودن انصراف می‌دهند و از ۲۹ میلیون نفر باقی مانده، ۳ میلیون نفر، بر پایه آمار رسمی بیکار هستند و این شامل بیکاری غیر ارادی یا غیر اختیاری است؛ یعنی کسانی که در جستجوی کار هستند، ولی به هر دلیل بیکار مانده‌اند.

مهم‌ترین پیامد بیکاری در حوزه اقتصادی، آسیب‌هایی است که به بنیان‌های تولید در کشور وارد می‌شود. عرضه انبوه نیروی کار با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید همخوانی ندارد. بیکاری کنونی در کشور محصول سیاست‌های اقتصادی است. در حال حاضر نرخ بالای بیکاری در ایران نتیجه سیاست‌های ضد تولیدی است. واردات بی‌رویه کالا به داخل کشور، موجب عدم رقابت پذیری محصولات واحدهای تولیدی کشور عنوان شده است (قنبری، ۱۳۹۱، ص ۶).

بیکاری فزاینده کارگران، اخراج آن‌ها و افزایش چک‌های برگشتی، نشان عدم رشد اشتغال در کشور است.^۲ متخصصان اقتصادی کشور معتقدند: آمار تورم، نرخ بیکاری و تولید ناخالص داخلی هم به دلیل پیچیدگی و هم به دلیل سیاسی شدن، زیاد قابل اطمینان نیستند؛ اما شغل‌های ایجاد شده یک اقتصاد، شاخص خوبی است. اشتغال محصول تلاشی ملی است و برای اینکه نظامی بتواند اشتغال ایجاد کند، کل نظام باید تصمیم بگیرد. گزارش‌های آمارگیری مرکز آمار

1. www.jomhourieslami.com/133/1392_18_jomhori_islami_eghtesadi_0012.html-1391-07-11

2. <http://www.tabnak.ir/fa/news/247074/%DB-1391-04-25>

نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ جمعیت شاغلان کشور بین ۳۰ تا ۳۱ میلیون نفر بوده و در واقع پنج، شش سالی است که اشتغال به وجود نیامده است. این موضوع نشانگر رکود مزمن و فرتوت اقتصاد ایران است. همچنین این مطلب گواه آن است که اقتصاد کشور، طبیعی نیست.^۱ قاچاق کالا، واردات، تحریم‌ها و بحران جهانی از متغیرهای اصلی در ایجاد بیکاری هستند. بیکاری کارگران در واحدهای تولیدی، نمونه بارزی از این‌گونه مشکلات است. البته متغیرهای دیگری در این امر دخیل هستند؛ اما تحریم‌ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم نقش اصلی در تعطیلی یا کاهش کار واحدهای تولیدی و در نتیجه بیکاری بسیاری از شهروندان دارد. بنابر قول دبیر سندیکای صنعت برق، در حال حاضر به دلیل حجم زیاد بدهی دولت به واحدهای صنعت برق در برخی از کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، بیش از ۴۰ درصد کارگران از کار برکنار شده‌اند.^۲

تحریم‌ها با تأثیر مخربی که بر تولید گذاشته است موجب نبود مواد اولیه در کارخانه‌ها، عدم تجمع سرمایه، گرانی ارز، طولانی شدن واردات و در خیلی مواقع وارد نشدن بسیاری از تجهیزات و ابزار شده است. به‌عنوان نمونه، عدم امکان ترخیص یک قرقه صنعتی باعث تعطیلی یک واحد بزرگ تولیدی در یک زمان طولانی گردیده بود. به همین جهت تحریم‌ها باعث بیکاری نیروی کار می‌شود و تأثیر زیادی بر این حوزه می‌گذارد. از طرفی وقتی تحریم‌ها باعث رکود اقتصادی و کسب و کار شود بر اشتغال تأثیر منفی می‌گذارد. موارد اشاره شده باعث می‌گردد مسئولیت تحریم‌کنندگان به دلیل تحریم‌های همه‌جانبه اقتصادی که به نقض توسعه انسانی و امنیت اقتصادی شهروندان ایرانی شده است؛ احراز گردد.

همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که عصاره اراده ملت و میراث گران‌بهای شهدا است در اصل ۲۸ آن بر تکلیف دولت بر تأمین شغل تأکید ورزیده است. با توجه به بیکاری بسیاری از شهروندان این مسئله باید مورد توجه مسئولین قرار گیرد و نسبت به آن حساس باشند.

۵. نتیجه‌گیری

تحریم‌های یک و چند جانبه در حالی بر ایران اعمال می‌گردد و موجب بروز نتایج بسیار منفی بر زندگی شهروندان ایرانی شده است که ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد، تحقق روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌المللی بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل را

1. http://www.armandaily.ir/Default.aspx?NPN_Id=52&pageno=10-1396-07-15

2. <http://www.khabaronline.ir/detail/239348/economy/macroeconomics-1391-08-03>

تشویق نموده است.

با آغاز تحریم‌های ظالمانه غرب، تقریباً تمام کسانی که مشغول کسب‌وکار سالم و مولد بودند دچار خسران و یا ورشکستگی شدند و مجبور به تعطیلی مشاغل خود گردیدند. در این فضا، کارخانه‌ها توان صادرات را به دلیل تحریم مبادله دلار از دست دادند و یا پول‌های حاصل از صادرات آن‌ها، در کشورهای مقصد صادرات بلوکه شد و یا اینکه تولیدکنندگان به دلیل عدم امکان مبادلات ارزی از صدور کالاهای خود امتناع کردند. در پی تشدید تحریم‌ها، ورود ماشین‌آلات به کشور هم به‌شدت تحت کنترل درآمد و ایران از خرید ماشین‌آلات با کیفیت اروپایی محروم گردید. اتحادیه اروپا شرکت‌های تحت‌الحمايه خود را از ارسال مواد اولیه مرغوب و ماشین‌آلات کارآمد متناسب با بازار و تکنولوژی روز منع کرد. تحریم ماشین‌آلات، تولیدکنندگان را مجبور به استفاده از محصولات چینی یا ماشین‌آلات دست دوم و چندم نمود و بیش از آنکه باری از دوش تولیدکنندگان بردارد، باعث هدر رفت منابع به دلیل عمر کوتاه این نوع ماشین‌آلات گردید. اندک تولیدکنندگانی که از این طوفان نیز سربلند برخواستند، دل به بازار داخل بسته و با تعدیل نیرو و مدیریت بخش‌های زیر مجموعه، توانستند روی پا بایستند. اما از آنجاکه بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران، یعنی کشور چین و هند مقادیر زیادی نفت از ایران خریداری کرده و قادر به پرداخت بهای آن به دلار نبودند و ارزهای رایج آن‌ها نیز تنها در همان کشورها ارزش واقعی خود را داشت، لاجرم سیل واردات محصولات بی‌کیفیت چینی و هندی روانه بازار داخلی گردید. با ورود کالاهای ارزان قیمت چینی، توان رقابت از تولیدکنندگان داخلی گرفته شد و پیکر نحیف تولید داخلی زیر بار واردات اجباری دولت شکست.

این در حالی است که، چنانچه اقدامات جمعی از جمله تحریم‌های اقتصادی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مؤثر نباشد، نباید اعمال شوند و در صورتی که اجرای آن‌ها آغاز شده باشد و بی‌تأثیر تشخیص داده شوند باید متوقف گردند؛ اقدامات قهری فقط باید در صورتی اتخاذ شوند که ثابت شده باشد شیوه‌های مسالمت‌آمیز ناکافی بوده یا پیش‌بینی شود که ناکافی خواهند بود.

با توجه به یافته اصلی این پژوهش، یعنی تأثیر منفی تحریم‌های اقتصادی گسترده و چندجانبه بر اشتغال کشور، بایستی راهکار اقتصاد مقاومتی در دستور کار قرار گیرد. هدف از اجرای اقتصاد مقاومتی، شناسایی حوزه‌های فشار و تلاش جهت کاهش اثر آن است. بنابراین، درک صحیح و شناخت کامل اقتصاد از منظر تهدیدها، فرصت‌ها، نقاط ضعف و قوت، بسیار حائز اهمیت است که یکی از این نقاط ضعف، مسئله اشتغال و بازار کار کشور است.

منابع

- آل کجباغ، حسین؛ مدنیان، غلامرضا (۱۳۹۳). نگاه قوانین بین‌المللی به مسأله حقوق بشر. قابل دسترس در: <http://smailalipour.blogfa.com/post/39>
- اقلیم، علی‌رضا (۱۳۸۹). تاثیر هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه خلیج فارس بر تأمین امنیت آن‌ها. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ایده، آسیورن (۱۳۸۹). حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. ترجمه اردشیر امیر ارجمند و همکاران. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- پروین، خیرالله؛ دهقانی، امیرعلی (۱۳۹۸). تعارض خصوصی‌سازی و عدالت اجتماعی در حقوق کار. تأمین اجتماعی، ۳(۱۴): ۱۴.
- تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶). حقوق بشر. ترجمه و نگارش حسین شریفی طراز کوهی. تهران: نشر میزان.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). نظریه‌های تحریم اقتصادی. تهران: وزارت امور خارجه.
- زینلی، وحید (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل وضعیت حقوق بشر در ایران و عوامل تحریم آن توسط اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیای سیاسی. موسسه آموزش عالی فرهنگ لاریجان.
- ساعده وکیل، امیر؛ عسگری، پوریا (۱۳۸۳). حق توسعه و جهان‌شمولی حقوق بشر، نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی). تهران: نشر مجد.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۹). سیاست خارجی امریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران. دانش سیاسی، شماره ۲.
- شکوه، حسن (۱۳۹۰). بررسی ظرفیت‌های تحقق ۲/۵ میلیون شغل در سال ۱۳۹۰. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شکوهی، سعید (۱۳۹۱). معمای تحریم. تهران: خبرگزاری فارس.
- قنبری، علی (پنجشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۱). سیاست‌های دولت، تولید کشور را به سمت بحران و ورشکستگی سوق داد. روزنامه شرق، شماره ۱۵۴۳.
- لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۳). دموکراسی و توسعه. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: طرح نو.
- ملکی، عباس (۱۳۹۱). سناریوهایی برای ایران جهت مقابله با تحریم، امریکا و مهار ایران. قابل دسترس در: www.caspianstudies.com/.../Scenario-%20US%20and%20Iran.doc
- موسویان، سید حسن (۱۳۹۴). ایران و آمریکا، گذشته شکست‌خورده و مسیر آشتی. تهران: تیسرا.
- میراحمدی، سید محمود؛ رشیدی، حسن (۱۳۹۳). تحریم‌ها و تأثیر آن بر کسب‌وکار در ایران. مجله اقتصادی، شماره ۳-۴.
- Drezwicki, K. (2001). *The Right to Work and Rights in Work*. In: Economic, Social and Cultural Rights. Dordrecht: Martinus Nijhoff.
- Foryst, C.AR. (2010). Ethinking National Security Strategy Priorities. *Journal of International & Counter International*, 23(3).

- Frtland, R. (2017). *The Effect of Sanctions on Human Rights, propositions for an alternative world order*. Selected papers published on the occasion of the fiftieth anniversary of the United Nations, berlin, Springer
- Gharib Abadi, K. (2013). *Unilateral Sanctions against Iran and International Law*. In: Symposium on Unilateral Sanctions and International Law, P.10-20.
- Hove, M. (2012). The Debates and Impact of Sanctions: The Zimbabwean Experience. *International Journal of Business and Social Science*, 3(5), P.84-72.
- Kaempfer, W.H. & Lowenberg, A.D. (2007). *The Political Economy of Economic Sanctions*. In: T.S. & K. Hartley (Ed.), *Handbook of Defense Economics - Defense in a Globalized World* (Vol.2, pp. 867-911). London: Elsevier B.V.
- Lacy, D. & Niou, E. (2004). A Theory of Issue Linkage and Economic Sanctions: The Roles of Information, Preferences, and Threats. *Journal of Politics*, 66(1), P.25-42.
- Noland, M. (2008). *The (Non) Impact of UN Sanctions on North Korea*. Peterson Institute for International Economics.
- Nossal, K.R. (2015). *Organization: punishment international sanctions as international punishment. International Organization*. Toronto, University of Toronto Press.
- Tsebelis, G. (1990). Are Sanctions Effective? A game Theoretic Analysis. *The Journal of Conflict Resolution*, 34(1), P.3-28.